

احادیثی در فضایل زبیر

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العلمين

فهرست:

مقدمه

فصل اول: فضایل زبیر در صحیح بخاری

فصل دوم: فضایل زبیر در صحیح مسلم

فصل سوم: فضایل زبیر در سنن ترمذی

فصل چهارم: فضایل زبیر در سنن نسائی

فصل پنجم: فضایل زبیر در سنن ابن ماجه

فصل ششم: فضایل زبیر در صحیح ابن حبان

فصل هفتم: فضایل زبیر در مستدرک حاکم

## مقدمه:

الحمد لله که رسل را برای هدایت انسانها فرستاد و با ارسال خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم بر ما منت نهاد و صراط مستقیم را بر ما عرضه کرد تا آمدنش ختم رسالت باشد و اندازی بر بنی آدم که قیامت قریب شد پس از عذاب الله خائف و قول حق را مستمع و از عدو مبین بر حذر باشید و به اسلام ایمان آورید همانطور که هدایت یافتگان در طول حیات بشر به آن ایمان آوردند چرا که دین نزد الله اسلام است. پس کجایند تسلیم شدگان به امر الله و گروندگان به دینش و مطیعین رسولش؟ چنین بود که بعض الناس به رسل ایمان آورده و بعضی به آنها کافر شدند و ختم رسالت صلی الله علیه و سلم نیز از این قاعده مستثنی نبود و ایمان آوردگان به او را در زمان حیاتش صحابه او تسمیه کردند یعنی مؤمنینی که با رسول الله صلی الله علیه و سلم مصاحبت و محضر او را درک نمودند. زبیر بن عوام علیه السلام یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم و از شجاعترین و پرفضیلت ترین آنها و از صحابه ای است که به جنت بشارت داده شده است.

صحابه کرام علیهم السلام دارای فضایی بودند که ما در این کتاب این شاء الله به ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه و سلم یعنی زبیر بن عوام علیه السلام خواهیم پرداخت.

احمد بن عباس بن علی

دهم ربیع الاول سنه هزار و چهارصد و بیست و نه (۱۴۲۹/۳/۱۰)

## فصل اول: فضایل زبیر در صحیح بخاری

قال ابن عباس: هو حواری النبی صلی الله علیه وسلم. (صحیح البخاری، لأبی عبد الله محمد بن إسماعیل البخاری الجعفی، کتاب المناقب، باب مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

ابن عباس گفت: او (زبیر) حواری نبی صلی الله علیه و سلم است. (صحیح البخاری، لأبی عبد الله محمد بن إسماعیل البخاری الجعفی، کتاب المناقب، باب مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

\*\*\*

حدثنا خالد بن مخلد: حدثنا عل بن مسهر، عن هشام بن عروة، عن أبيه قال: أخبرني مروان بن الحكم قال: أصاب عثمان بن عفان رعا ف شديد سنة الرعا ف، حتى حبسه عن الحج، وأوصى، فدخل عليه رجل من قريش قال: استخلف، قال: وقالوه؟ قال: نعم، قال: ومن؟ فسكت، فدخل عليه رجل آخر - أحسبه الحارث - فقال: استخلف، فقال عثمان: وقالوا؟ فقال: نعم، قال: ومن هو؟ فسكت، قال: فلعلهم قالوا الزبیر، قال: نعم، قال: أما والذي نفسي بيده، إنه لخيرهم ما علمت، وإن كان لأحبهم إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم. (صحیح البخاری، لأبی عبد الله محمد بن إسماعیل البخاری الجعفی، کتاب المناقب، باب مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

از مروان بن حکم روایت شده که گفت: عثمان بن عفان در سنه رعا ف به رعا ف شدیدی مبتلا شد که موجب بازماندن او از حج گردید و وصیت نمود. رجلی از قریش بر او داخل شد و گفت: استخلاف کن. عثمان گفت: آنها نیز چنین می گویند؟ گفت: بله. عثمان گفت: چه کسی را؟ او ساکت ماند. رجل دیگری بر او داخل شد و گفت: استخلاف کن. عثمان گفت: و آنها نیز همین را می گویند؟ گفت: بله. گفت: او کیست؟ پس ساکت ماند. عثمان گفت: شاید آنها زبیر را می گویند؟ گفت: بله. عثمان گفت: قسم به کسی که جان من در ید اوست، او بهترین آنها از نظر من است و مورد

محبت ترین نسبت به رسول الله صلی الله علیه و سلم. (صحیح البخاری، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

در آن سال که سنه ۳۱ بود بین مسلمین رعاف شایع شد که همان خون آمدن از بینی است. همین امر موجب شد که امیر المؤمنین عثمان بن عفان علیه السلام نتواند به حج رود و وصیت کند. از آنجا که خوف وفات امیر المؤمنین می رفت لهذا عده ای نزد او آمده و تقاضا نمودند شخصی را که برای امارت بعد از خود مد نظر دارد معرفی نماید. امیر المؤمنین عثمان علیه السلام از مراجعین سؤال کرد که آنها چه کسی را مد نظر دارند و مراجعین در جواب سکوت کردند. امیر المؤمنین عثمان علیه السلام که از قلوب آنها اطلاع داشت در قبال سکوتشان به زبیر بن عوام علیه السلام اشاره کرد که شخص مراجعه کننده جواب مثبت داد.

\*\*\*

حدثنا مالك بن إسماعيل: حدثنا عبد العزيز، هو ابن أبي سلمة، عن محمد بن المنكدر، عن جابر رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: إن لكل نبي حواريا، وإن حواريا الزبير بن العوام. (صحیح البخاری، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که نبی صلی الله علیه و سلم گفت: برای هر نبی، یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر بن عوام است. (صحیح البخاری، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

حواری بمعنای «ناصر» یا «مخلص» است و اصحاب عیسی بن مریم علیه السلام را حواریون می گویند. با اینکه تمام اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم جزء انصار او محسوب می شدند با این حال رسول الله صلی الله علیه و سلم بدین خاطر زبیر بن عوام علیه السلام را چنین تسمیه کرد که از این جهت بر دیگر صحابه کرام علیهم

السلام افضل بود. اصل حواری از تحویر است و حور بمعنای سفیدی است و این اسم به علت کثرت کسوت لباس سفید گفته شده است والله أعلم.

\*\*\*

حدثنا أحمد بن محمد: أخبرنا هشام بن عروة، عن أبيه، عن عبد الله بن الزبير قال: كنت يوم الأحزاب جعلت أنا وعمر بن أبي سلمة في النساء، فنظرت فإذا أنا بالزبير على فرسه يختلف إلى بني قريظة مرتين أو ثلاثاً، فلما رجعت قلت: يا أبت رأيتك تختلف؟ قال: أو هل رأيتني يا بني؟ قلت: نعم، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: من يأت بني قريظة فيأتي بني بخرهم. فانطلقت، فلما رجعت جمع لي رسول الله صلى الله عليه وسلم أبويه فقال: فذاك أبي وأمي. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

از عبدالله بن زبير روایت شده که گفت: در يوم الأحزاب من و عمر بن ابی سلمه بین نساء بودیم که نگاه کردم و زبیر را سوار بر فرسش دیدم که به سمت بنی قریظه دو یا سه بار رفت و بازگشت. وقتی بازگشتم، گفتم: ای پدر! تو را دیدم که می رفتی و می آمدی. گفت: ای پسر! آیا مرا رؤیت کردی؟ گفتم: بله. گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم گفت: چه کسی به سمت بنی قریظه می رود تا خبر آنها را برایم بیاورد؟ که من رفتم و وقتی بازگشتم، رسول الله صلى الله عليه وسلم پدر و مادر خود را برای من جمع کرد و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

عبدالله بن زبير عليهما السلام که در زمان جنگ احزاب کودک بود در بين نساء گذاشته شده بود. او در آن وقت، پدر خود را می بیند که چند بار به سمت بنی قریظه می رود و بازمی گردد. بعداً از پدر خود در این باره سؤال می کند که زبیر علیه السلام می گوید که برای رسول الله صلى الله عليه وسلم از بنی قریظه خبر می آورده و رسول الله صلى الله عليه وسلم به او گفته که: پدر و مادرم فدایت باد.

\*\*\*

حدثنا علي بن حفص: حدثنا ابن المبارك: أخبرنا هشام بن عروة، عن أبيه: أن أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم قالوا للزبير يوم اليرموك: ألا تشد فنشد معك، فحمل عليهم، فضربوه ضربتين على عاتقه، بينهما ضربة ضربه يوم بدر، قال عروة: فكنت أدخل أصابعي في تلك الضربات ألعب وأنا صغير. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

از عروه روایت شده که گفت: اصحاب نبی صلی الله علیه و سلم به زبیر در روز یرموک گفتند: آیا حمله می کنی که با تو (بر دشمن) حمله کنیم؟ او حمله کرد و دو ضربه بر کتفش وارد شد و ضربه ای هم در روز بدر بر او وارد شده بود. عروه گوید: من اصابع خود را در جای این ضربات وارد می کرده و بازی می نمودم در حالی که کودکی صغیر بودم. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المناقب، باب مناقب الزبير بن العوام رضي الله عنه).

جنگ یرموک در ابتدای خلافت امیرالمؤمنین عمر الفاروق علیه السلام و در سال سیزدهم بین مسلمین و رومیان در شام بوقوع پیوست که در آن هفتاد هزار سرباز رومی کشته شدند. رومیان در این جنگ خود را با زنجیر به یکدیگر بسته بودند تا فرار نکنند و در جنگ ثابت قدم باشند. امیر مسلمین در این جنگ ابو عبیده بن جراح علیه السلام بود و امیر آنها باهان نام داشت. در این جنگ عبدالله بن زبیر و پدرش علیهما السلام حضور داشتند در حالی که عبدالله دوازده سال بیشتر نداشت. حدیث فوق اشاره به شجاعت زبیر علیه السلام می کند و اینکه چطور در بین صحابه علیهم السلام جزء شجاعترینها بود که عده ای از اصحاب به او می گویند اگر به دشمن حمله کنی ما نیز با تو خواهیم آمد. عبدالله بن زبیر علیهما السلام نیز بعد از انهزام دشمن به سمت آنها رفته و مجروحین رومی را به قتل می رساند و این نشان از شجاعت او دارد در حالی که دوازده سال بیشتر سن نداشت.

\*\*\*

حدثنا محمد: حدثنا أبو معاوية، عن هشام، عن أبيه، عن عائشة رضي الله عنها: {الذين استجابوا لله والرسول من بعد ما أصابهم القرح للذين أحسنو منهم واتقوا أجر عظيم} قالت لعروة: يا ابن أختي، كان أبوك منهم: الزبير وأبو بكر، لما أصاب رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أصاب يوم أحد، وانصرف عنه المشركون، خاف أن يرجعوا، قال: من يذهب في إثرهم. فانتدب منهم سبعون رجلا، قال: كان فيهم أبو بكر والزبير. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المغازي، باب الذين استجابوا لله والرسول).

از عائشه رضی الله عنها روایت شده که درباره آیه «الذين استجابوا لله والرسول من بعد ما أصابهم القرح للذين أحسنو منهم واتقوا أجر عظیم» به عروه گفت: ای پسر خواهرم! پدران تو، ابوبکر و زبیر از آنها بودند. وقتی به رسول الله صلى الله عليه وسلم جراحاتی در غزوه احد رسید و مشرکین از جنگ منصرف شدند، خوف مراجعت آنان می رفت. رسول الله صلى الله عليه وسلم گفت: چه کسی به تعقیب آنان می رود؟ هفتاد نفر از رجال روانه شدند که در بین آنها ابوبکر و زبیر بودند. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب المغازي، باب الذين استجابوا لله والرسول).

آیه مذکور آیه صد و هفتاد و دوم از سوره آل عمران است که اشاره می کند به عده ای که بعد از مجروح شدن در جهاد دوباره امر الله و رسولش را استجابت کردند. طبق حدیث فوق این عده هفتاد نفر بودند و ابوبکر و زبیر علیهما السلام نیز بین آنها بودند که بعد از اصابت جراحت از غزوه احد دوباره امر الله و رسولش را اطاعت کرده و به تعقیب مشرکین پرداختند.

\*\*\*

حدثنا محمد بن العلاء: حدثنا أبو أسامة، عن هشام بن عروة، عن أبيه، عن نافع بن جبیر قال: سمعت العباس يقول للزبير رضي الله عنهما: ها هنا أمرك النبي صلى الله

عليه وسلم أن تركز الراهية. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب الجهاد والسير، باب ما قيل في لواء النبي صلى الله عليه وسلم).

از نافع بن جبیر روایت شده که گفت: استماع کردم که عباس به زبیر رضی الله عنهما می گفت: نبی صلی الله علیه و سلم تو را امر کرده که اینجا را بر زمین بزنی. (صحيح البخاري، لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، كتاب الجهاد والسير، باب ما قيل في لواء النبي صلى الله عليه وسلم).

منظور در يوم الفتح می باشد که پرچم رسول الله صلی الله علیه و سلم در دست زبیر بن عوام علیه السلام بود و رسول الله صلی الله علیه و سلم به او امر کرد که پرچم را در محلی به اسم حجون در نزدیکی مکه به زمین زند.

### فصل دوم: فضایل زبیر در صحیح مسلم

حَدَّثَنَا عَمْرُو النَّاقِدُ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ، عَنْ جَايْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: نَدَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ يَوْمَ الْخَنْدَقِ. فَأَنْتَدَبَ الزَّبِيرُ ثَلَاثًا. ثُمَّ نَدَبَهُمْ. فَأَنْتَدَبَ الزَّبِيرُ. ثُمَّ نَدَبَهُمْ. فَأَنْتَدَبَ الزَّبِيرُ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيٍّ وَحَوَارِيٍّ الزَّبِيرُ". (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

از جابر بن عبدالله روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم مردم را در  
یوم الخندق به جهاد دعوت کرد و زبیر سه بار دعوت او را اجابت کرد. بعد رسول الله  
صلی الله علیه و سلم آنها را به جهاد دعوت کرد و زبیر اجابت کرد و مجدداً آنها را  
دعوت کرد و زبیر اجابت نمود. نبی صلی الله علیه و سلم گفت: برای هر نبی یک  
حواری وجود دارد و حواری من زبیر است. (صحیح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن  
الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من  
فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

\*\*\*

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْخَلِيلِ وَ سُوَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ كِلَاهُمَا عَنْ ابْنِ مُسْهَرٍ قَالَ إِسْمَاعِيلُ:  
أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسْهَرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ قَالَ: كُنْتُ  
أَنَا وَعُمَرُ بْنُ أَبِي سَلَمَةَ، يَوْمَ الْخَنْدَقِ، مَعَ النَّسْوَةِ فِي أُطْمِ حَسَّانَ فَكَانَ يُطَاطِئُ لِي  
مَرَّةً فَأَنْظُرُ وَأَطَاطِئُ لَهُ مَرَّةً فَيَنْظُرُ فَكُنْتُ أَعْرِفُ أَبِي إِذَا مَرَّ عَلَيَّ فَرَسِيهِ فِي السَّلَاحِ، إِلَى  
بَنِي قُرَيْظَةَ. قَالَ: وَأَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ قَالَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ  
لَأَبِي فَقَالَ: وَرَأَيْتَنِي يَا بُنَيَّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ جَمَعَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَوْمَئِذٍ، أَبُوئِي فَقَالَ: "فِيكَ أَبِي وَأُمِّي". (صحیح مسلم، لأبي الحسين  
مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم،  
باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

از عبدالله بن زبیر روایت شده که گفت: من و عمر بن اَبی سلمه در روز خندق با نساء  
در حصنی بودیم و او خم می شد و من به پشت او می رفتم و بیرون را نظاره می  
کردم و من خم می شدم و او بر پشت من می رفت و بیرون را نظاره می کرد. من  
پدرم را شناختم که بر روی فرسش و با سلاح به سمت بنی قریظه حرکت می کرد.  
آن را برای پدرم نقل کردم که گفت: پسرم! آیا مرا دیدی؟ گفتم: بله. گفت: والله رسول  
الله صلی الله علیه و سلم در آن وقت، پدر و مادر خود را برای من جمع کرد و گفت: پدر  
و مادرم فدایت باد! (صحیح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري  
النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير  
رضي الله تعالى عنهما).

منظور از جمع کردن پدر و مادر این است که در قولی که رسول الله صلی الله علیه و سلم به زبیر بن عوام علیه السلام گفته، هر دوی والدین خود را ذکر کرده که فدای زبیر باشند.

\*\*\*

وَحَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ (يَعْنِي ابْنَ مُحَمَّدٍ) عَنْ سُهَيْلٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ عَلَى حِرَاءٍ، هُوَ وَأَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ وَطَلْحَةُ وَالزَّبِيرُ فَتَحَرَّكَتِ الصَّخْرَةُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "اهْدَأْ، فَمَا عَلَيْكَ إِلَّا نَيْيٌّ أَوْ صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ". (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

از ابی هریره روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم و ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر بر روی حراء قرار داشتند که صخره شروع به لرزیدن کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: آرام باش که بر روی تو جز نبی و صدیق و شهید نیست. (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

قول رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان می کند که غیر از او و ابوبکر صدیق علیه السلام، باقی افرادی که بر روی حراء قرار داشتند یعنی عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر علیهم السلام جزء شهدا هستند و همگی آنها نیز بعد از رسول الله صلی الله علیه و سلم به شهادت رسیدند.

\*\*\*

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا ابْنُ نُمَيْرٍ وَعَبْدَةُ قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامٌ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَتْ لِي عَائِشَةُ: أَبَوَاكَ، وَاللَّهِ مِنَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ. وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ حَدَّثَنَا هِشَامٌ، بِهَذَا الْإِسْنَادِ وَزَادَ: تَعْنِي أَبَا بَكْرَ وَالزَّبِيرَ. (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

از عروه روایت شده که گفت: عائشه به من گفت: والله دو پدر تو از کسانی بودند که بعد از جراحت، الله و رسول را اجابت کردند. منظور او ابابکر و زبیر بود. (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم، باب من فضائل طلحة والزبير رضي الله تعالى عنهما).

\*\*\*

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ حَدَّثَنَا لَيْثٌ ح وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رُمْحٍ أَخْبَرَنَا اللَّيْثُ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزَّبِيرِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزَّبِيرِ حَدَّثَهُ أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ خَاصِمَ الزَّبِيرِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي شِرَاجِ الْحَرَّةِ الَّتِي يَسْفُونَ بِهَا النَّخْلَ. فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ: سَرَّحَ الْمَاءَ يَمُرُّ. فَأَبَى عَلَيْهِمْ. فَاخْتَصَمُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "اسْقُوا يَا زُبَيْرُ ثُمَّ أَرْسِلِ الْمَاءَ إِلَى جَارِكَ" فَغَضِبَ الْأَنْصَارِيُّ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ كَانَ ابْنُ عَمَّتِكَ قَتَلُونَ وَجْهَ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. ثُمَّ قَالَ: "يَا زُبَيْرُ اسْقُوا ثُمَّ احْسِبِ الْمَاءَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْجِدْرِ". فَقَالَ الزَّبِيرُ: وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحْسِبُ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي ذَلِكِ: {فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا}. (صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب الفضائل، باب وجوب اتباعه صلى الله عليه وسلم).

از عبدالله بن زبیر روایت شده که رجلی از انصار با زبیر نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره آبی که با آن نخل را سقایت می کردند مخاصمه کرد. انصاری گفته بود: آب را روانه کن که او از این کار ابا کرده بود و مخاصمه خود را نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آوردند. رسول الله صلی الله علیه و سلم به زبیر گفت: یا زبیر! سقایت کن

و بعد آب را برای همسایه ات ارسال نما. انصاری غضبناک شد و گفت: یا رسول الله! بخاطر اینکه پسر عمه ات بود چنین حکم کردی؟ رنگ صورت رسول الله صلی الله علیه و سلم (از غضب) تغییر کرد و گفت: یا زبیر! آبیاری کن و بعد آب را ننگه دار تا به دیوارها برسد. زبیر گفت: والله من فکر می کنم که این آیه در این باره نازل شده است: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا. (صحیح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، كتاب الفضائل، باب وجوب اتباعه صلى الله عليه وسلم).

آیه مذکور آیه ۶۵ از سوره النساء می باشد که بیان می کند راضی شدن به قضاوت رسول الله صلی الله علیه و سلم نشانه ایمان است و کسی ایمان نمی آورد مگر اینکه در مشاجرات، به قضاوت رسول الله صلی الله علیه و سلم تن داده و از حکم او هر چند که بر علیه او باشد حرجی در نفسش احساس نکند و به حکم او راضی باشد. در حدیثی دیگر آمده که مرد انصاری اهل بدر بوده است.

### فصل سوم: فضایل زبیر در سنن ترمذی

حَدَّثَنَا هَنَادٌ أَخْبَرَنَا عَبْدُ عَن هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَن أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: "جَمَعَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُوهُ يَوْمَ فُرَيْطَةَ فَقَالَ بِأَبِي وَأُمِّي". هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. (سنن الترمذی، لمحمد بن عيسى بن سورة الترمذی، أبواب المناقب عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَنَاقِبُ الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

از زبیر روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم پدر و مادر خود را در یوم  
قربطه برای من جمع کرد و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد. (سنن الترمذی، لمحمد بن  
عیسی بن سوره الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم،  
مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

\*\*\*

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ أَخْبَرَنَا مُعَاوِيَةَ بْنُ عَمْرٍو أَخْبَرَنَا زَائِدَةُ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ زُرِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيًّا وَإِنَّ حَوَارِيَّ  
الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ". هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، وَيَقَالُ الْحَوَارِيُّ النَّاصِرُ. (سنن الترمذی،  
لمحمد بن عیسی بن سوره الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم،  
مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

از علی بن ابی طالب روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: برای هر  
نبی یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر بن عوام است. (سنن الترمذی، لمحمد بن  
عیسی بن سوره الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم،  
مناقب الزبیر بن العوام رضی الله عنه).

\*\*\*

حَدَّثَنَا مَحْمُودُ بْنُ غَيْلَانَ أَخْبَرَنَا أَبُو دَاوُدَ الْحَضْرِيُّ وَأَبُو نَعِيمٍ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ  
حَوَارِيًّا وَحَوَارِيَّ الزُّبَيْرِ - وَزَادَ أَبُو نَعِيمٍ فِيهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ - قَالَ مَنْ يَأْتِينَا بِخَبَرِ الْقَوْمِ؟ قَالَ  
الزُّبَيْرُ أَنَا، قَالَهَا ثَلَاثًا". هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. (سنن الترمذی، لمحمد بن عیسی بن  
سوره الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، مناقب الزبیر بن  
العوام رضی الله عنه).

از جابر روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم استماع کردم که می گفت: برای هر نبی یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر است. ابونعیم (از راویان این حدیث) اضافه می کند که در یوم الأحزاب رسول الله صلی الله علیه و سلم سه مرتبه گفت: چه کسی ما را از این قوم خبر می آورد؟ زبیر سه مرتبه جواب داد: من. (سنن الترمذی، لمحمد بن عیسی بن سورة الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، مناقب الزبیر بن العوام رضي الله عنه).

\*\*\*

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ أَخْبَرَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ صَخْرِ بْنِ جُورِيَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ قَالَ: "أَوْصَى الزُّبَيْرُ إِلَى ابْنِهِ عَبْدِ اللَّهِ صَبِيحَةَ الْجَمَلِ فَقَالَ: مَا مِنِّي عَضُوٌّ إِلَّا وَقَدْ جُرِحَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى انْتَهَى ذَلِكَ إِلَى فَرْجِهِ". هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ مِنْ حَدِيثِ حَمَّادِ بْنِ زَيْدٍ. (سنن الترمذی، لمحمد بن عیسی بن سورة الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، مناقب الزبیر بن العوام رضي الله عنه).

از هشام بن عروه روایت شده که زبیر به پسرش عبدالله در صبح روز جمل گفت: عضوی در بدن من وجود ندارد الا اینکه در معیت رسول الله صلی الله علیه و سلم (در جهادها) جراحت برداشته است و حتی فرجش را نیز ذکر کرد. (سنن الترمذی، لمحمد بن عیسی بن سورة الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، مناقب الزبیر بن العوام رضي الله عنه).

زبیر علیه السلام از دلیر مردانی بود که جنگهای زیادی را در معیت رسول الله صلی الله علیه و سلم شاهد بود و در آنها حضور داشت. در صبح جنگ جمل زبیر علیه السلام وضعیت بدن خود را برای پسرش چنین بیان می کند که در غزواتی که در معیت رسول الله صلی الله علیه و سلم شرکت داشته، تمامی اعضای بدن او جراحت برداشته اند بطوریکه حتی فرج او نیز از این جراحات مصون نمانده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم قبل از وفات خود، زبیر علیه السلام را به جنت بشارت داده بود.

\*\*\*

حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مِسْمَارِ الْمِرْزِيِّ، حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي قُدَيْلٍ، عَنِ مُوسَى بْنِ يَعْقُوبَ، عَنِ  
عُمَرُو بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمِيدٍ عَنِ أَبِيهِ أَنَّ سَعِيدَ بْنَ زَيْدٍ حَدَّثَهُ فِي نَفَرٍ أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "عَشْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ: أَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَعُمَرُ فِي  
الْجَنَّةِ، وَعَلِيٌّ وَعُثْمَانُ وَالزُّبَيْرُ وَطَلْحَةُ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ وَأَبُو عُبَيْدَةَ وَسَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ -  
قَالَ فَعَدَّ هَؤُلَاءِ التَّسْعَةَ وَسَكَتَ عَنِ الْعَاشِرِ - فَقَالَ الْقَوْمُ نَنْشُدُكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْأَعْوَرِ مَنْ  
الْعَاشِرُ؟ قَالَ نَشَدْتُمُونِي بِاللَّهِ أَبُو الْأَعْوَرِ فِي الْجَنَّةِ". (سنن الترمذي لمحمد بن عيسى  
الترمذي، كتاب المَنَاقِبِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب مناقب عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
بْنِ عَوْفِ بْنِ عَبْدِ عَوْفِ الزَّهْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

از حمید بن عبدالرحمن از سعید بن زید روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و  
سلم گفت: ده نفر در جنت هستند: ابوبکر در جنت است و عمر در جنت است و علی  
و عثمان و زبیر و طلحه و عبدالرحمن و ابوعبیده و سعد بن ابی وقاص (در جنت  
هستند). حمید گوید: سعید بن زید این نه نفر را اسم برد و از گفتن نفر دهم ساکت  
شد. قوم گفتند: تو را به الله قسم می دهیم یا ابوالاعور (سعید بن زید) نفر دهم  
کیست؟ گفت: مرا به الله قسم دادید. ابوالاعور در جنت است. (سنن الترمذی لمحمد  
بن عیسی الترمذی، کتاب المَنَاقِبِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب مناقب  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفِ بْنِ عَبْدِ عَوْفِ الزَّهْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

## فصل چهارم: فضایل زبیر در سنن نسائی

قال الحارث بن مسكين قراءة عليه وأنا أسمع عن ابن وهب قال أخبرني سعيد بن عبد الرحمن عن هشام بن عروة عن يحيى بن عباد بن عبد الله بن الزبير عن جده أنه كان يقول: ضرب رسول الله صلى الله عليه وسلم عام خيبر للزبير بن العوام أربعة أسهم سهما للزبير وسهما لذي القربى لصفية بنت عبد المطلب أم الزبير وسهمين للفرس. (سنن النسائي، لأبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي، كتاب الخيل، باب سهما الخيل).

از عبدالله بن زبیر روایت شده که گفت: رسول الله صلى الله عليه و سلم در خیبر برای زبیر بن عوام چهار سهم (از غنائم) قرار داد. سهمی برای زبیر و سهمی برای ذی القربی برای صفیه بنت عبدالمطلب مادر زبیر و دو سهم برای فرس. (سنن النسائي، لأبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي، كتاب الخيل، باب سهما الخيل).

این حدیث بیان می کند که رسول الله صلى الله عليه و سلم برای هر سوارکار اسب دو سهم اضافه می داده است. از چهار سهمی که زبیر بن عوام علیه السلام در غزوه خیبر از رسول الله صلى الله عليه و سلم اخذ کرده، دو سهم برای اینکه سوارکار اسب بوده و یک سهم برای اینکه در جهاد حاضر بوده و یک سهم هم برای اینکه مادر او صفیه بنت عبدالمطلب جزء ذی القربی محسوب می شده است طبق آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» که آیه ۴۱ از سوره الأنفال است.

## فصل پنجم: فضایل زبیر در سنن ابن ماجه

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ، عَنْ جَابِرٍ؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَوْمَ قُرَيْبَةَ: مَنْ يَأْتِينَا يَخْبَرُ الْقَوْمَ؟ فَقَالَ الزُّبَيْرُ: أَنَا. فَقَالَ: مَنْ يَأْتِينَا يَخْبَرُ الْقَوْمَ؟ قَالَ الزُّبَيْرُ: أَنَا. ثَلَاثًا. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيٌّ، وَإِنَّ حَوَارِيََّ الزُّبَيْرِ. (سنن ابن ماجه لأبي عبد الله محمد بن يزيد الربيعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب فَضْلُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

از جابر روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم در یوم قریظه گفت: چه کسی خبر این قوم را برای ما می آورد؟ زبیر گفت: من. گفت: چه کسی خبر این قوم را برای ما می آورد؟ زبیر گفت: من. (این سؤال و جواب) سه بار تکرار شد. پس رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: برای هر نبی یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر است. (سنن ابن ماجه لأبي عبد الله محمد بن يزيد الربيعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب فَضْلُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

\*\*\*

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ الزُّبَيْرِ؛ قَالَ: لَقَدْ جَمَعَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُوهُ يَوْمَ أُحُدٍ. (سنن ابن ماجه لأبي عبد الله محمد بن يزيد الربيعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب فَضْلُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

از عبدالله بن زبیر از زبیر روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم در غزوه احد پدر و مادر خود را برای من جمع کرد. (سنن ابن ماجه لأبي عبد الله محمد بن يزيد الربيعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب فَضْلُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

بن یزید الربعی القزوینی، کتاب فضائل أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب  
فَضْلُ الرَّبِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

\*\*\*

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ، وَهَدِيَّةُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ  
هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ؛ قَالَ: قَالَتْ لِي عَائِشَةُ: يَا عُرْوَةَ! كَانَ أَبُوكَ مِنَ الَّذِينَ  
اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ: أَبُو بَكْرٍ وَالرَّبِيرُ. (سنن ابن ماجه لأبي  
عبد الله محمد بن يزيد الربعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله صلى الله  
عليه وسلم، باب فَضْلُ الرَّبِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

از عروه روایت شده که عایشه به او گفت: یا عروه! دو پدر تو از اشخاصی بودند که الله  
و رسول را بعد از اصابت جراحت استجابت کردند و آنها ابوبکر و زبیر هستند. (سنن ابن  
ماجه لأبي عبد الله محمد بن يزيد الربعي القزويني، كتاب فضائل أصحاب رسول الله  
صلى الله عليه وسلم، باب فَضْلُ الرَّبِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ).

فصل ششم: فضائل زبیر در صحیح ابن حبان

أخبرنا محمد بن إسحاق بن إبراهيم مولى ثقيف حدثنا أحمد بن الحسن بن خراش حدثنا عتيق بن يعقوب حدثني أبي حدثني الزبير بن خبيب بن ثابت بن عبد الله بن الزبير عن هشام بن عروة عن أبيه قال: قال عبد الله بن الزبير لأبيه: يا أبت حدثني عن رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى أحدث عنك فإن كل أبناء الصحابة يحدث عن أبيه. قال: يا بني ما من أحد صحب رسول الله صلى الله عليه وسلم بصحبة إلا وقد صحبته مثلها أو أفضل ولقد علمت يا بني أن أمك أسماء بنت أبي بكر كانت تحتي ولقد عملت أن عائشة بنت أبي بكر خالتك ولقد علمت أن أمي صفية بنت عبد المطلب وأن أخوالي حمزة بن عبد المطلب وأبو طالب والعباس وأن رسول الله صلى الله عليه وسلم بن خالي ولقد علمت أن عمتي خديجة بنت خويلد وكانت تحته وأن ابنتها فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم ولقد علمت أن أمه صلى الله عليه وسلم آمنة بنت وهب بن عبد مناف بن زهرة وأن أم صفية وحمزة هالة بنت وهب بن عبد مناف بن زهرة ولقد صحبتته بأحسن صحبة والحمد لله ولقد سمعته صلى الله عليه وسلم يقول من قال علي ما لم أقل فليتبوأ مقعده من النار. (صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر الزبير بن العوام بن خويلد رضوان الله عليه).

از عبدالله بن زبير روایت شده که به پدرش گفت: ای پدر! مرا از رسول الله صلى الله عليه وسلم حدیث گو تا از تو حدیث نقل نمایم که کل ابناء صحابه از پدرانشان حدیث نقل می کنند. زبير گفت: ای پسر! شخصی هم صحبت رسول الله صلى الله عليه وسلم نبوده الا اینکه هم صحبتی او مثل این یا افضل از این باشد و ای پسر! می دانی که مادر تو اسماء بنت ابی بکر، همسر من بوده و می دانی که عائشه بنت ابی بکر خاله تو است و می دانی که مادر من صفیه بنت عبدالمطلب بوده و حمزة بن عبدالمطلب و ابوطالب و عباس دائیهای من هستند و رسول الله صلى الله عليه وسلم پسر دائی من است و می دانی که خدیجه بنت خویلد عمه من و همسر رسول الله صلى الله عليه وسلم بوده و دختر او فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم است و واقفی که مادر رسول الله صلى الله عليه وسلم آمنة بنت وهب بن عبدمناف بن زهره است و اینکه مادر صفیه و حمزه، هاله بنت وهب بن عبدمناف بن زهره است. و الحمد لله من به نیکویی رسول الله صلى الله عليه وسلم را مصاحبت کردم و از او استماع نمودم که می گفت: هر کس از من قولی بگوید که من آن را نگفته باشم پس مقعدش از آتش مهیا شده است. (صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم

محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر الزبير بن العوام بن خويلد رضوان الله عليه).

این حدیث یکی از احادیثی است که میزان قرابت زبیر بن عوام علیه السلام را با رسول الله صلی الله علیه و سلم مشخص می کند و بیان می نماید که این قرابت چگونه بر فضیلت مصاحبت زبیر بن عوام علیه السلام با رسول الله صلی الله علیه و سلم اضافه کرده است. همچنین این حدیث مشخص می کند که ابناء صحابه کرام علیهم السلام و تابعین چگونه به حفظ اقوال و احادیث نبوی اهتمام می ورزیدند و اینکه صحابه کرام علیهم السلام تا چه حدی از کذب بستن به رسول الله صلی الله علیه و سلم ابا داشتند.

(علی بن بلبان فارسی متوفی سنه ۷۳۹، تسع وثلاثین وسبعمائة، صحیح ابن حبان را از نظر کتاب و باب مرتب کرد و خواندن این کتاب را برای قاری آن سهل نمود).

\*\*\*

أخبرنا بن قتيبة حدثنا حرمله حدثنا بن وهب حدثني معاوية بن صالح عن يحيى بن سعيد الأنصاري عن سهيل بن أبي صالح عن أبيه عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم صعد حراء ومعه أبو بكر وعمر وعثمان وعلي وطلحة والزبير فتحرك بهم الجبل فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اسكن حراء فإنما عليك نبي أو صديق أو شهيد. (صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر إثبات الشهادة للزبير بن العوام).

از ابی هریره روایت شده که گفت: نبی صلی الله علیه و سلم بر حراء صعود کرد و در معیت او ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر بودند که جبل شروع به لرزیدن کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: ساکن باش ای حراء که بر روی تو نبی و صديق و شهيد است. (صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان

بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر إثبات الشهادة للزبير بن العوام).

\*\*\*

أخبرنا الحسن بن سفيان حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا عبدة بن سليمان عن هشام بن عروة عن عبد الله بن عروة عن عبد الله بن الزبير عن الزبير بن العوام قال: جمع لي رسول الله صلى الله عليه وسلم أبويه يوم قريظة فقال بأبي وأمي. (صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر جمع المصطفى صلى الله عليه وسلم أبويه للزبير بن العوام).

از عبدالله بن زبير روایت شده كه زبير بن عوام گفت: در يوم قريظه رسول الله صلى الله عليه وسلم والدين خود را برای من جمع كرد و گفت: پدر و مادرم فدایت باشند. (صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر جمع المصطفى صلى الله عليه وسلم أبويه للزبير بن العوام).

\*\*\*

أخبرنا محمد بن المعافى العابد بصيدا أخبرنا عيسى بن حماد بن زغبة أخبرنا الليث بن سعد عن هاشم بن عروة عن محمد بن المنكدر عن جابر بن عبد الله أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يوم الخندق: من رجل يأتينا بخبر بني قريظة؟ فقال الزبير: أنا. فذهب على فرسه فجاء بخبرهم. ثم قال الثانية فقال الزبير: أنا. ثم قال الثالثة فقال الزبير: أنا. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: لكل نبي حواري وحواري الزبير بن العوام.

(صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر البيان بأن الزبير بن العوام كان حواري المصطفى صلى الله عليه وسلم).

از جابر بن عبدالله روایت شده که رسول الله صلى الله عليه وسلم در يوم الخندق گفت: کدامین رجل خبر بنی قریظه را برای ما می آورد؟ زبیر گفت: من. و سوار بر فرسش رفت و خبر آنها را آورد. برای مرتبه دوم رسول الله صلى الله عليه وسلم سؤال خود را تکرار کرد و زبیر گفت: من حاضرم. و برای مرتبه سوم نیز زبیر در جواب به سؤال رسول الله صلى الله عليه وسلم گفت: من حاضرم. نبی صلى الله عليه وسلم گفت: برای هر نبی یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر بن عوام است. (صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، لأبي حاتم محمد بن حبان بن أحمد التميمي البستي، كتاب إخباره صلى الله عليه وسلم عن مناقب الصحابة رجالهم ونسائهم بذكر أسمائهم رضوان الله عليهم أجمعين، ذكر البيان بأن الزبير بن العوام كان حواري المصطفى صلى الله عليه وسلم).

**فصل هفتم: فضایل زبیر در مستدرک حاکم**

در کتب رجال آمده که ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد الضبی النیسابوری معروف به حاکم نیشابوری، مؤلف کتاب مستدرک علی الصحیحین یک شیعی مذهب بوده است. ابن حجر در کتاب خود لسان المیزان، حاکم نیشابوری را شیعه دانسته است. از جمله اشخاصی که حاکم نیشابوری را یک شیعه متعصب معرفی می کنند خواجه عبدالله انصاری است. در لسان المیزان آمده است که ابوطاهر از خواجه عبدالله انصاری درباره حاکم نیشابوری سؤال می کند و خواجه عبدالله انصاری جواب می دهد: «إمام في الحديث رافضي خبيث» یعنی: او (حاکم نیشابوری) امام در حدیث و رافضی خبیث است. ابوطاهر در جواب به خواجه عبدالله انصاری می گوید: «الله انصاف را دوست دارد. او رافضی نیست بلکه شیعی است». شاید ابوطاهر فکر می کرده شیعه ای که نسبت به صحابه کرام علیهم السلام دارای حقد و کینه نباشد رافضی نیست و این فقط روافض هستند که خلفای راشدین المهديين عليهم السلام را رد می کنند و نسبت به صحابه کرام علیهم السلام کینه دارند و امور ناروا را به آنها و به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و سلم از همسران ایشان نسبت می دهند و در هر زمانی که قدرتی کسب می کنند بر علیه مسلمین اقدام می نمایند و با آنها دشمنی و عداوت می ورزند. از نظر خواجه عبدالله، حاکم نیشابوری در علم حدیث مهارت دارد ولی با این حال یک رافضی خبیث است. این قول خواجه عبدالله انصاری را ذهبی نیز در تذکرة الحفاظ بیان کرده است.

حدثنا أبو بكر بن أبي جعفر الأصبهاني ثنا الحسن بن علي بن نصر ثنا الزبير بن بكار قال: أم الزبير صفية بنت عبد المطلب وأمها هالة بنت أهيب بن عبد مناف بن زهرة وأمها عالية بنت عبد المطلب بن عبد مناف. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از زبیر بن بکار روایت شده که گفت: مادر زبیر، صفیه بنت عبدالمطلب بود و مادر او هاله بنت أهیب بن عبدمناف بن زهره و مادر او عالیه بنت عبدالمطلب بن عبدمناف بود. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

أخبرني عبد الحميد بن عبد الرحمن القاضي ثنا حماد بن أحمد القاضي قال: سمعت أبا بكر بن أبي شيبة يقول: حدثني أبو أسامة عن هشام بن عروة قال: أسلم الزبير وهو بن ستة عشر سنة وقتل وهو بن بضع وستين. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

از هشام بن عروه روایت شده که گفت: زبیر اسلام آورد در حالی که شانزده سال داشت و به قتل رسید در حالی که شصت و چند سال داشت. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

\*\*\*

حدثنا أبو بكر بن إسحاق أنا إسماعيل بن قتيبة ثنا محمد بن عبد الله بن نمير أن طلحة والزبير بلغ كل واحد منهما أربعاً وستين. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

از محمد بن عبدالله بن نمير روایت شده که گفت: طلحه و زبیر هر دو به سن شصت و چهار سالگی رسیده بودند (که شهید شدند). (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

حدثني أبو بكر بن بالويه ثنا إبراهيم بن إسحاق الحربي ثنا مصعب بن عبد الله الزبيري قال: قتل الزبير وهو بن سبع وستين سنة وكان يكنى أبا الطاهر. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از مصعب بن عبدالله الزبیری روایت شده که گفت: زبیر به قتل رسید در حالی که شصت و هفت سال داشت و به ابوطاهر مکنی بود. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب أنا الحسن بن علي بن عفان ثنا أبو أسامة عن هشام بن عروة قال: قال عروة بن الزبير: فأخبرني نافع بن جبير بن مطعم قال: سمعت العباس يقول للزبير: يا أبا عبد الله، ها هنا أمرك رسول الله صلى الله عليه وسلم أن تركز الراية. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از نافع بن جبیر بن مطعم روایت شده که گفت: شنیدم که عباس به زبیر می گفت: یا ابا عبدالله! رسول الله صلى الله عليه وسلم تو را امر کرده که رایت را در اینجا بر زمین

بزنى. (المستدرک على الصحیحین، لأبى عبد الله محمد بن عبد الله النيسابورى، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

\*\*\*

حدثنا علي بن حمشاذ ثنا أحمد بن إبراهيم بن ملحان وثنا أبو زكريا العنبري ثنا محمد بن إبراهيم العبدى قال ثنا بكير ثنا الليث بن سعد عن أبي الأسود عن عروة بن الزبير قال: أسلم الزبير بن العوام وهو بن ثمان سنين وهاجر وهو بن ثمان عشرة سنة وكان عم الزبير يعلق الزبير في حصير ويدخن عليه بالنار ويقول: ارجع إلى الكفر. فيقول الزبير: لا أكفر أبدا. (المستدرک على الصحیحین، لأبى عبد الله محمد بن عبد الله النيسابورى، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

از عروة بن زبير روايت شده كه گفت: زبير بن عوام اسلام آورد در حالى كه هشت سال داشت و هجرت كرد در حالى كه هيچده ساله بود و عموى زبير او را در حصير ملتوى مى كرد و به او دود آتش مى داد و مى گفت: به كفر مراجعت كن. ولى زبير مى گفت: ابدآ كافر نخواهم شد. (المستدرک على الصحیحین، لأبى عبد الله محمد بن عبد الله النيسابورى، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي).

\*\*\*

أخبرني مخلص بن جعفر الباقري ثنا محمد بن جرير حدثني عمرو بن عبد الحميد الأيلي ثنا أبو أسامة عن هشام بن عروة عن أبيه قال: أسلم الزبير وهاجر إلى أرض الحبشة الهجرتين معا ولم يتخلف عن غزوة غزاها رسول الله صلى الله عليه وسلم

وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم آخى بينه وبين بن مسعود وكان رجلاً ليس بالطويل ولا بالقصير خفيف اللحية أسمر اللون أشعر. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عروة بن زبير روايت شده كه گفت: زبير مسلمان شد و به حبشه هجرت كرد و دو بار هجرت نمود و از هيچ غزوه اي كه رسول الله صلى الله عليه و سلم غزو كرد تخلف ننمود و رسول الله صلى الله عليه و سلم بين او و ابن مسعود اخوت برقرار كرد. زبير رجلى طويل و قصير نبود و خفيف اللحية و اسمر اللون و كثير الشعر بود. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

منظور از دو هجرت همان هجرت به حبشه در ابتدا و هجرت به مدينه بعد از آن هجرت اوليه است. حديث بيان مى كند كه زبير بن عوام عليه السلام داراى قدى بلند و کوتاه نبود بلكه ميانه قامت بود و ريشهاى كم پشتى داشت و سبزه روى و گندمگون بود با موهائى پرپشت.

\*\*\*

حدثني أبو بكر بن بالويه ثنا إبراهيم بن إسحاق الحربي ثنا مصعب بن عبد الله الزبيري قال: توجه الزبير إلى المدينة فتبعه عمرو بن جرموز وهو متوجه نحو المدينة فقتله غيلة بوادي السباع فبرأ الله عن دمه علياً وأصحابه وإنما قتله عمرو بن جرموز في رجب سنة ست وثلاثين. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از مصعب بن عبدالله الزبیری روایت شده که گفت: زبیر به سمت مدینه حرکت کرد و عمرو بن جرموز در تبع او رفت در حالی که او متوجه به سمت مدینه بود و او را با خدعه در وادی السباع به قتل رساند و علی و اصحابش از این عمل او برائت جستند. زبیر را عمرو بن جرموز در رجب سنه ست و ثلاثین (۳۶) به قتل رساند. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

زبیر بن عوام علیه السلام بعد از انصراف از جنگ جمل به سمت منزلش در مدینه حرکت کرد و گویند که در محلی به اسم وادی السباع خوابید و عمرو بن جرموز در حال خواب او را به شهادت رساند و این خبر را به علی علیه السلام عرضه کرد که علی علیه السلام، ابن جرموز را به نار جهنم بشارت داد.

\*\*\*

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا الربيع بن سليمان ثنا أسيد بن موسى ثنا مسكين بن عبد العزيز ثنا حفص بن خالد حدثني شيخ قدم علينا من الموصل قال: صحبت الزبير بن العوام رضی الله تعالی عنه في بعض أسفاره فأصابته جنابة في أرض قفر فقال: استرني. فسترته فحانت مني التفاتة إليه فرأيته مجدعا بالسيوف فقلت: والله لقد رأيت بك آثارا ما رأيتها بأحد قط. فقال: وقد رأيت ذلك؟ فقال: والله ما منها جراحة إلا مع رسول الله صلی الله علیه وسلم في سبيل الله. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

از حفص بن خالد روایت شده که گفت: شیخی از موصل بر ما وارد شد و گفت: در سفری با زبیر بن عوام رضی الله تعالی عنه همسفر بودم که در ارض قفر جنب شد و گفت: مرا مستور کن. من او را مستور کردم و با گوشه چشم نظری به او افکندم و مشاهده کردم که بدنش از اثر سیوف بریده بریده شده. گفتم: والله آثاری که تو در بدنت داری را در بدن شخص دیگری رؤیت نکرده ام. او گفت: آیا اینها را رؤیت کردی؟

والله جراحتهى بر بدن من نيست الا اينكه در معيت رسول الله صلى الله عليه و سلم و فى سبيل الله برداشته شده است. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

أخبرنا أبو جعفر البغدادي ثنا أبو علاثة ثنا أبي ثنا بن لهيعة عن أبي الأسود عن عروة قال: كانت نفحة من الشيطان أن محمدا صلى الله عليه وسلم قد أخذ فسمع بذلك الزبير وهو بن إحدى عشرة سنة فخرج بالسيف مسلولا حتى وقف على النبي صلى الله عليه وسلم فقال: ما شأنك؟ فقال: أردت أن أضرب من أخذك. فدعا له النبي صلى الله عليه وسلم ولسيفه وكان أول سيف سل في سبيل الله عز وجل. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عروه روایت شده که گفت: در نفحه ای از شیطان گفته شد که محمد صلی الله علیه و سلم دستگیر شده است. زبیر این را استماع کرد و در آن زمان یازده سال داشت پس با سیفی مسلول خارج شد تا اینکه به نبی صلی الله علیه و سلم رسید. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: چه شده است؟ زبیر گفت: می خواهم گردن شخصی که تو را دستگیر کرده بزدم. نبی صلی الله علیه و سلم برای او و سیفش دعا کرد و سیف زبیر اولین سیفی بود که فی سبیل الله عزوجل کشیده شد. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

این حدیث حادثه ای را در مکه و قبل از هجرت مسلمین به مدینه النبى بیان می کند و مراد از آن، خبر دستگیر شدن رسول الله صلی الله علیه و سلم توسط مشرکین است.

\*\*\*

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا محمد بن عبد الله بن عبد الحكم أنا بن وهب أخبرني أبو صخر عن أبي معاوية الجلي هو عمار الدهني عن سعيد بن جبیر عن بن عباس عن علي رضي الله تعالى عنهما قال: كانت أول غزوة في الإسلام بدر ما كان معنا إلا فرسان فرس للزبير وفرس للمقداد. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضي الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عباس روایت شده که علی رضي الله تعالى عنهما گفت: اولین غزوه در اسلام، غزوه بدر بود که با ما دو فرس بیشتر نبود. یکی فرس زبیر و دیگری فرس مقداد. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضي الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

در غزوه بدر تجهیزات مسلمانین بسیار قلیل بود و طبق این حدیث مسلمانین فقط دو اسب در اختیار داشتند که یکی برای زبیر و دیگری برای مقداد علیهما السلام بود.

\*\*\*

حدثنا أبو جعفر البغدادي ثنا أبو علاثة ثنا أبي الأسود عن عروة بن الزبير عن الزبير قال: والله ما خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم مخرجا في غزوة غزاها ولا سرية إلا كنت فيها. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضي الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عروة بن زبیر روایت شده که زبیر گفت: والله، رسول الله صلى الله عليه و سلم برای غزوه و سریه ای خارج نشد الا اینکه من در آن غزوه یا سریه بودم. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

حدثنا أبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه ثنا محمد بن أحمد بن النضر الأزدي ثنا معاوية بن عمرو عن أبي إسحاق الفزاري عن هشام بن عروة عن عباد بن عبد الله بن الزبير قال: كانت على الزبير بن العوام يوم بدر عمامة صفراء معتجر بها فنزلت الملائكة عليهم عمام صفر. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عباد بن عبدالله بن زبیر روایت شده که گفت: زبیر بن عوام در یوم بدر عمامه ای صفراء داشت که صورتش را نیز با آن مستور کرده بود. ملائکه در غزوه بدر در حالی نازل شدند که عمامه های صفراء داشتند. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

منظور از حدیث این است که ملائکه در غزوه بدر در کسوت زبیر بن عوام علیه السلام و با عمامه هایی زرد رنگ برای مدد رساندن به مسلمین از جانب الله نازل شدند.

\*\*\*

أخبرني مخلص بن جعفر ثنا محمد بن جرير حدثني سفيان بن عيينة قال: قسم ميراث الزبير بن العوام على أربعين ألف درهم. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از سفيان بن عيينة روايت شده كه گفت: ميراث زبير بن عوام در زمان تقسيم چهل هزار هزار درهم (چهل مليون درهم) بود. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

حدثنا أبو سعيد أحمد بن يعقوب الثقفي ثنا أحمد بن يحيى الحلواني ثنا عتيق بن الزبير حدثني أبو يعقوب بن الزبير بن حبيب بن ثابت بن عبد الله بن الزبير عن هشام بن عروة عن أبيه قال: قال عبد الله بن الزبير لأبيه: يا أبت حدثني عن رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى أحدث عنك فإن كل أبناء الصحابة يحدث عن أبيه. فقال: يا بني ما من أحد صحب رسول الله صلى الله عليه وسلم بصحبة إلا وقد صحبته بمثلها أو أفضل منها ولقد علمت بأن أمك أسماء ابنة أبي بكر كانت تحتي وإن خالتك عائشة بنت أبي بكر ولقد علمت أن أمي صفية بنت عبد المطلب وأن أخوالي حمزة بن عبد المطلب وأبو طالب وعباس وأن رسول الله صلى الله عليه وسلم بن خالي ولقد علمت أن عمتي خديجة بنت خويلد كانت تحته وأن ابنتها فاطمة ابنة رسول الله صلى الله عليه وسلم ولقد علمت أن خديجة أم أمها حبيبة بنت أسد بن عبد العزي ولقد علمت أن أم رسول الله صلى الله عليه وسلم آمنة بنت وهب بن عبد مناف بن زهرة ولقد صحبته بأحسن صحبة والحمد لله ولقد سمعته يقول: من قال علي ما لم أقل فليتبوأ مقعده من النار. (المستدرک على الصحيحين، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از عروة بن زبیر روایت شده که عبدالله بن زبیر به پدرش گفت: ای پدر! مرا از رسول الله صلی الله علیه و سلم حدیث گو تا از تو حدیث نقل کنم که همه اینها صحابه از پدرانشان نقل حدیث می کنند. زبیر گفت: ای پسر! احدی رسول الله صلی الله علیه و سلم را مصاحبت نکرده است که مصاحبتش مثل این یا افضل از این باشد (که برایت نقل می کنم). می دانی که مادرت أسماء بنت ابی بکر همسر من بود و خاله تو عائشه بنت ابی بکر است و واقفی که مادر من صفیه بنت عبدالمطلب بود و حمزة بن عبدالمطلب و ابوطالب و عباس دائیهای من می باشند و رسول الله صلی الله علیه و سلم پسر دائی من است و می دانی که عمه من خدیجه بنت خویلد همسر رسول الله صلی الله علیه و سلم بود و دختر او فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است و واقفی که مادر خدیجه، حبیبه بنت اسد بن عبدالعزی است و می دانی که آمنه مادر رسول الله صلی الله علیه و سلم بنت وهب بن عبدمناف بن زهره بود. من به نحو احسن رسول الله صلی الله علیه و سلم را مصاحبت نمودم و از او استماع کردم که می گفت: هر کس قولی از من گوید که من نگفته باشم مقعدش را از آتش مهیا ساخته است. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه و سلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی).

\* \* \*

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا أحمد بن عبد الجبار ثنا يونس بن بكير ثنا هشام بن عروة عن أبيه عن الزبير بن العوام قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: إن لكل نبي حوارى وأن حوارى الزبير. فقيل له: يا أبا عبد الله أتعلم أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قالها لأحد غيرك؟ قال: لا، والله ما أعلم. صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بهذه السياقة. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه و سلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی).

از زبیر بن عوام روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: برای هر نبی یک حواری وجود دارد و حواری من زبیر بن عوام است. به زبیر گفته شد: یا ابا عبدالله! آیا رسول الله صلی الله علیه و سلم این را به شخصی غیر از تو گفته است؟ زبیر گفت: نه، والله نمی دانم. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

منظور شخص سائل این بود که آیا رسول الله صلی الله علیه و سلم شخص دیگری را نیز حواری خود معرفی کرده بود؟ جواب زبیر بن عوام علیه السلام مشخص می کند که تا آن زمان او استماع نکرده که رسول الله صلی الله علیه و سلم شخص دیگری را حواری خود معرفی کرده باشد.

\*\*\*

أخبرنا أحمد بن كامل القاضي ثنا أحمد بن محمد بن عيسى القاضي ثنا زكريا بن عدي ثنا علي بن مسهر عن هشام بن عروة عن أبيه عن مروان قال: أصاب عثمان رعا ف سنة الرعا حتى أوصى وتخلف عن الحج فدخل علينا رجل من قریش فقال: استخلف. فقال: وقالوه؟ قال: نعم. قال: ومن هو؟ فسكت. ثم دخل عليه آخر فقال: استخلف. فذكر نحوه مما ذكر الأول. فقال عثمان: الزبیر؟ قال: نعم. فقال عثمان: أما والذي نفسي بيده إن كان لا خيرهم ما علمت وأحبهم إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم. هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

از مروان بن حکم روایت شده که گفت: عثمان در سنه رعا ف به رعا ف مبتلا شد که موجب شد وصیت کند و به حج نرود. رجلی از قریش بر ما داخل شد و به عثمان گفت: استخلاف کن. عثمان گفت: آنها نیز همین را می گویند؟ گفت: بله. عثمان گفت: چه کسی را؟ آن رجل ساکت ماند. بعد نفری دیگر داخل شد و گفت: استخلاف کن. و

آنچه نفر اول گفته بود را تکرار کرد. عثمان گفت: زبیر (منظور شماسست)؟ گفت: بله. عثمان گفت: قسم به کسی که جان من در ید اوست او خیر آنها است تا جایی که علم دارم و أحب آنها نسبت به رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویند بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

\*\*\*

أخبرنا الحسن بن یعقوب العدل ثنا محمد بن عبد الوهاب العبدي أنا جعفر بن عون أنا إسماعیل بن أبي خالد عن البهي عن عروة قال: قالت لي عائشة: يا بني إن أباك من الذين استجابوا لله والرسول من بعد ما أصابهم القرح. هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویند بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

از عروة بن زبیر روایت شده که گفت: عائشه به من گفت: ای پسر! پدر تو از اشخاصی بود که الله و رسول را استجابت کردند بعد از اینکه جراحت به آنها رسید. (المستدرک علی الصحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله النیسابوری، کتاب معرفة الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ذکر مناقب حواری رسول الله صلی الله علیه وسلم وابن عمته الزبیر بن العوام بن خویند بن أسد بن عبد العزی بن قصی).

\*\*\*

حدثنا محمد بن صالح بن هانئ ثنا أبو بكر محمد بن النضر الجارودي ثنا عبد الله بن سعيد الكندي ثنا أبو عبد الرحمن النضر بن منصور العنزي حدثني علقمة بن علاثة اليشكري قال: سمعت عليا رضی الله تعالی عنه يقول: سمعت أذني من في رسول

اللَّهُ صلى الله عليه وسلم وهو يقول: طلحة والزبير جاري في الجنة. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از علی رضی الله تعالی عنه روایت شده که گفت: دو گوش من از دهان رسول الله صلى الله عليه وسلم شنید که او می گفت: طلحه و زبیر دو همسایه من در جنت هستند. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

\*\*\*

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا محمد بن سنان القزاز ثنا إسحاق بن إدريس ثنا محمد بن حازم ثنا هشام بن عروة عن أبيه عن عبد الله بن الزبير عن أبيه قال: أرسلني رسول الله صلى الله عليه وسلم في غداة باردة فأنتيته وهو مع بعض نسائه في لحافه فأدخلني في اللحاف فصرنا ثلاثة. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از زبیر روایت شده که گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم در صبحی سرد به دنبال من فرستاد و به نزد او آمدم در حالی که با بعضی از نساءش در لحافش بود که مرا داخل لحاف کرد که سه نفر شدیم. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حواري رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

حدثني علي بن حمشاذ العدل ثنا العباس بن الفضل الأسفاطي أنا أبو نعيم ضرار بن صرد ثنا عبد العزيز بن محمد الدراوردي ثنا محمد بن عبد الله بن مسلم الزهري عن عمه عن عروة بن الزبير عن عبد الله بن الزبير عن العوام قال: استعدى علي رجل من الأنصار رسول الله صلى الله عليه وسلم في شراج الحرة فقال: يا زبير أسق ثم أرسل الماء إلى جارك. فقال الأنصاري: يا رسول الله إن كان بن عمك. فتلون وجه رسول الله صلى الله عليه وسلم وقال: يا زبير أسق ثم أحبس الماء حتى يبلغ الجدر ثم أرسل إلى جارك. فاستوعب رسول الله صلى الله عليه وسلم للزبير حقه فقال الزبير: أني لأحسب هذه الآية نزلت في خصومتي: فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم الآية. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه فإني لا أعلم أحدا أقام هذا الإسناد عن الزهري يذكر عبد الله بن الزبير عن أخيه وهو عنه ضيق. (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

از زبير بن عوام روايت شده كه گفت: يكى از رجال انصار در آب حره با من مشاجره كرد كه رسول الله صلى الله عليه و سلم گفت: يا زبير! (زمينت را) سقايت كن بعد آب را براى همسايه ات رها كن. مرد انصارى گفت: يا رسول الله! براى اينكه پسر عمه ات بود (چنين حكم كردى)؟ رنگ صورت رسول الله صلى الله عليه و سلم تغيير كرد و گفت: يا زبير! سقايت كن بعد آب را محبوس كن تا به جدار برسد بعد آن را براى همسايه ات رها كن. زبير گويد: من گمان مى كنم كه اين آيه در خصومت من نازل شده است: «فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم». (المستدرک علی الصحیحین، لأبي عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري، كتاب معرفة الصحابة رضى الله تعالى عنهم، ذكر مناقب حوارى رسول الله صلى الله عليه وسلم وابن عمته الزبير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزي بن قصي).

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ  
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ

وَمَتْلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ  
الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا  
عَظِيمًا.